



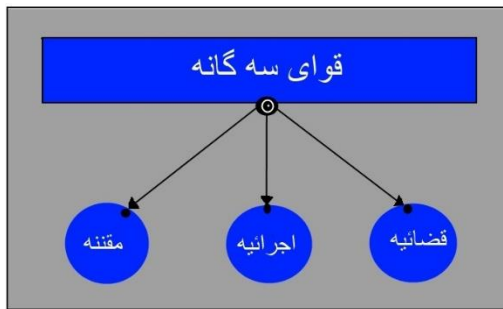
۱۵/۰۴/۲۰۱۵

قيس کبير و صالحه وهاب واصل

## تبصره ای بر تصمیم پشتیبانی افغانستان از عربستان سعودی در ارتباط با بحران یمن

در کشور های غربی که افغانستان یکی از مقلدین دیموکراسی آن است وقتی که یک حکومت جدید پا به عرصه وجود می گذارد، اعضای دولت اسبق و مشاورین آن اکثراً یا باز نشسته می شوند و یا مصروف کار های شخصی شان می گردند و به کار های سیاسی دولت بر سر اقتدار مداخله نمی کنند. ولی اگر ضرورت مداخله باشد زیر نام اپوزیسیون گروهی را تشکیل داده در چهره رقباء سیاسی ظاهر میگردند و به رقابت های سیاسی شان می پردازند. اما در افغانستان قسمی که دیده میشود اشخاصی برطرف شده و یا متقاعد با وجود بازنشستگی از دولت اسبق بدون شمولیت در کدام گروه اپوزیسیون، از مداخلات بیجای شان در امور دولتی دست نگرفته اند. در بیرون از این حلقه، کسانی دیگری نیز هستند که با نوشتن یک مقاله یا یک تبصره سیاسی، و یا یک مصاحبه، دولت آسیب پذیر وحدت ملی را به باد انتقاد می بندند و هزار و یک دلیل موجه و ناموجه در راستای منافع بیگانه میتراشند و بخورد مردم و جامعه از طریق رسانه های جمعی الکترونیکی میدهند.

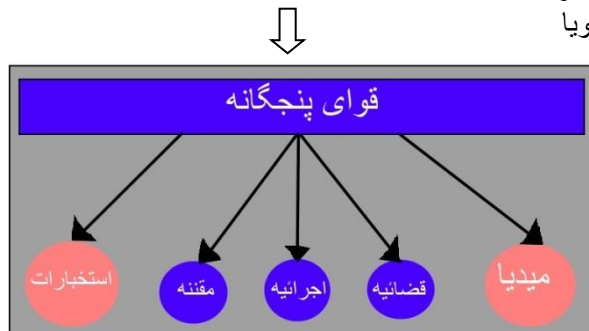
درین روز ها یکی از مسائل داغ سیاسی در افغانستان، موضوع پشتیبانی دولت افغانستان از موقف عربستان سعودی در بحران یمن است. عده کثیر صاحبان قلم و صاحب نظران، دلایل شان را در حمایت از موقف دولت وحدت ملی با موضع گیری ارائه می دارند و برخی هم دلایلی دارند که نشان دهنده مخالفت شان با اعلامیه دولت است. اما حفظ منافع علیای کشور در نوشته های هر دو گروه صاحب نظران به شکل نکته اساسی مطرح بحث قرار گرفته است. یک گروه، پیامد های مثبت این اقدام دولت را به عنوان یک کشور اسلامی به طرفداری عربستان سعودی منعیث مرکز اسلام، یک گام مفید میدانند، خصوصاً در جهت آوردن صلح با طالبان، قطع جنگ و برادرکشی، اما؛ برخی دیگر آنرا مقابله با کشور همسایه یعنی ایران ارزیابی کرده اند.



در دو دهه اخیر، خصوصاً که جهان وارد جامعه اطلاعاتی گردید، دو قوه دیگر یعنی میدیا و استخبارات در کنار سه قوه قضائیه، مقننه و اجرائیه قرار گرفتند که به صورت نامرئی در مناسبات جهانی، رول به سزائی را بازی می کنند.

**میدیا:** (رسانه های صوتی، تصویری، کتبی و اینترنت) میتواند افکار مردم را تحت تأثیر قرار داده و در کنترل خود داشته باشد. زیرا مردم بسیار احساساتی و عجولانه قضاوت میکنند مثلاً مثال خوبی داریم از خبر جالب و کاذبی که درین هفته از جانب خانم مطرحی در فیسبوک به نشر رسانیده شده بود که گویا

عبدالعزیز شیخ مفتی در یکی از گفته هایش خوردن گوشت زن را توسط شوهرش در زمان مجبوری جایز دانسته است. این خبر برای اهل اسلام خاصاً افغانان چنان محشری را بر پا ساخت که انسان را به یاد حرکت نا مطلوب تعویذ نویس شاه دو شمشیره می انداخت. فقط با تفاوت اینکه حادثه شاه دو شمشیره در دنیایی واقعی رخ داد ولی این خبر کاذب در دنیایی مجازی، در حالیکه هر دو خبر در آخر دروغ ثابت شد اما قضاوت عجولانه مردم و نشان دادن عکس العمل فوری مردم با شدت خاص همسان بود. همه این عکس العمل ها زاده اثرات عمیق و شدید



دنیانو شمیره: له 1 تر 5

میدیا بر اذهان و افکار انسان‌های میباید که باورشان بر میدیا ده‌ها بار بیشتر از تعمق و تحقق شخصی خودشان است.

**1) استخبارات:** تمام داد و ستد‌ها و معاملات و حتی روابط شخصی و خصوصی مردم را آرشیف میکند تا از این طریق اشخاص و افراد را که با آنها سر معامله باز می‌کنند، همیشه زیر نفوذ و تأثیر خود داشته باشد. افغانستان از سالیان متوالی به این طرف بخصوص بعد از کودتای هفت‌ثور میدان تاخت و تاز همسایگان، منطقه و جهان در ساحه استخبارات و میدیا قرار گرفته است که آنها با دادن پول و ده‌ها امتیاز دیگر مادی، معنوی، مذهبی و زبانی صد‌ها اجنت و جاسوس خود را در مراکز مهم اداری افغانستان، جابجا کرده‌اند؛ جاسوسانی که در حد و سطح وکیل، وزیر و معاون وزیر قرار دارند مانند: لطیف پدram، اکبری و سید مخدوم رهین و سیمین حسن زاده و ده‌های دیگر). ده‌ها مؤسسه نقابدار به اسم «بسیج مستضعفین»، «مجمع اهل بیت»، «انصار امام خمینی»، «حزب الله»، «دانشگاه آزاد اسلامی» و سایر مؤسسات پیوسته یا همبسته با سپاه پاسداران ایران، در چهار گوشه کشور به نفع رژیم آخوندی، بکار گماشته شده‌اند. این گروه‌های استخباراتی قادرند مردم که توان درک تحلیل وضعیت محیط پیرامون خود را ندارند، با کوچک‌ترین حادثه‌ای تفتین‌آمیز وارد عرصه شوند و با تحریکاتشان در عرصه ارزش‌های دینی - مذهبی مردم فقیر با سطح پائین دانش و آگاهی اندک که بدون درک و شناسایی منافع شخصی‌شان جان‌های خود را برای دیگران فدا میسازند، در صدر سیاست‌های توطئه‌آمیز خود قرار داده، از آنان مهره‌های مناسبی بسازند تا هر زمان که بخواهند با دست‌های پنهانی اراده‌کنند و منافع‌شان را به موقع اساس و دلخواه‌شان به کرسی نشانند.

متأسفانه یک تعداد از متعصبین مذهبی و زبانی نسبت همسانی عقیده، مذهب و زبان‌شان با ایران، بدون توجه به اینکه خود، آباء و اجدادشان زاده و پرورده افغانستان‌اند و سرنوشت مشترکی را با هموطنان‌شان طی و تجربه می‌نمایند بجای اینکه منافع‌شان را در منافع‌علیای کشور جستجو نمایند، از روی تعصب و وابستگی‌های مادی و شاید هم ضعف شخصیتی، منحیث وکیل مدافع سیاست ایران مخربانه برضد دولت وحدت ملی عمل نموده، پیوسته از ورای امواج میدیا و رسانه‌های اطلاعاتی (صوتی، تصویری و مطبوع) علناً به نفع ایران فعالیت می‌نمایند که با تأسف دولتمردان بر سر اقتدار، نسبت درگیری‌ها و هرج و مرج‌های داخلی حکومتی و عدم توانمندی لازم در حراست از قانون اساسی و ارزش‌های ملی و افغانی تا هنوز فرصت و توانایی این را پیدا نکرده‌اند تا عکس‌العمل لازم و قانونی در برابر این عناصر وابسته به ثروت بیگانه را از خود بروز دهند.

به قول آقای داکتر خالد؛ ایران که یک کشور اسلام‌مست و با شعار اینکه «اسلام مرز ندارد» از منافع «حوثی‌ها» در یمن دفاع میکند، چرا از مسلمانان «آذربائيجان» در برابر ارمنیان عیسوی و یا از مسلمانان «چیچن» در مقابله با خونریزی‌های پوتین و یا مسلمانان «اوپغور» در مقابله با سرکوبی‌های چین دفاع نمیکند؟ پس شعار «اسلام مرز ندارد» رهبران ایران یک شعار کاملاً سیاسی و میان‌خالی بوده، هر جا برای حفظ منافع فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خودشان بکار برده میشود.

گروه دیگری از مردم عام افغان که نه با استخبارات و نه با دین و مذهب ایران کار و وابستگی دارند، بیطرفی افغانستان را در بحران یمن به نفع افغانستان میدانند و کشور‌های همسایه ایران و پاکستان را تحریک نمی‌کنند تا افغانستان را در جنگ نیابتی بکشاند تا باز هم برای مدت مدیدی این کشور دچار جنگ و خون‌ریزی باشد. اما؛ اینها اینرا متوجه باید باشند که ایران و پاکستان هیچگاهی همسایه‌های نیک و خیر اندیشی برای ما نبوده‌اند. همچنان آنانیکه برین باورند، باید آگاه باشند که همین اکنون هزاران جوان افغان در جنگ عراق و سوریه بر اساس رهنمائی‌های گروه‌های وابسته به ایران دخیل‌اند که به اختیار خود شامل نشده‌بل به این سمت و سو کشانیده شده‌اند.

در وضعیت کنونی مهمترین اجندای سیاسی ایران دور نگه‌داشتن افغانستان از کشور رقیب عربستان سعودی در منطقه است. برای عملی ساختن این اجندا، ایران افغان‌ها، رسانه‌ها و حوزه‌های علمی وابسته بخود در افغانستان را مورد توجه جدی قرار داده و این منابع را به حیث اهرم فشار بر دولت افغانستان تقویت و تشجیع می‌نماید. از اینرو دیده میشود که هرشب اشخاصی تازه واردی زیر نام‌های کارشناس و آگاه سیاسی در صفحات تلویزیونهای افغانی ظاهر شده و بجای بسیج افکار عامه در دفاع از موقف دولت افغانستان، به دفاع از منافع ایران می‌پردازند. و اقدام دولت را تقبیح و افکار عامه را نسبت به دولت فعلی بر سر اقتدار مسموم می‌سازد. جالب است که سنخنگوی اسبق دولت افغانستان ایمل خان فیضی با وجود آگاهی از این امر، هیچگاهی ایران را بخاطر این سیاستش مورد انتقاد قرار نداده است.

جناب سخنگوی رئیس جمهور اسبق افغانستان در یکی از مقالات شان می فرمایند که: "در طول بیش از یک دهه گذشته توانست روابط خود را عملاً با کشور های رقیب منطقه و جهان برقرار کند. طی سال های گذشته، روابط افغانستان با کشور همسایه، جمهوری اسلامی ایران، هرگز تحت تأثیر روابط کابل با غرب، به خصوص ایالات متحده امریکا، قرار نگرفت. مقامات ایالات متحده امریکا در مواردی حتا مانع سفر رییس جمهور سابق افغانستان به تهران شدند و از او رسماً خواستند تا سفرش را به ایران لغو کند؛ اما با وصف آن، باز هم حکومت حامد کرزی توانست تا یک رابطه مستقل را میان کابل و تهران ایجاد و تقویت کند. با در نظر داشت موقف جمهوری اسلامی ایران در قضیه یمن و دیگر جریانات در منطقه، موضع گیری طرفدارانه افغانستان به نفع عربستان سعودی می تواند به گسترش بی نظیر روابط میان کابل و تهران که در طول یک دهه گذشته رونق یافته است، صدمه جدی وارد کند".

سؤال ما از سخنگوی رئیس جمهور اسبق افغانستان جناب فیضی اینست که: از نظر شما این گسترش بی نظیر چه بوده میتواند؟

- تهاجم فرهنگی و ادبی ایران بر فرهنگ افغانستان از طریق وزارت اطلاعات کلتور کشور.
- پا فرا کشیدن ایران از گلیمش در اظلام مختلفه مردم ایران در حق افغان های مهاجر (خصوصاً در زندان ها)
- انحصار رسانه های صوتی، تصویری و مطبوع افغانستان با پرداخت پول گزاف بر خود فروختگان افغانی در افغانستان
- انحصار تکنالوجی اطلاعاتی به نفع مطلقه ایران
- خرید یک تعداد دولتمردان و سیاست مداران سست عنصر افغان در بدل بوجی های پول که رئیس جمهور اسبق افغانستان خود به آن اعتراف نموده است.
- استفاده از آب دریای هلمند به صورت رایگان و مجانی تا شهرهای زاهدان و غیره
  - ممانعت اکمال بند سلما و استفاده از آبهای هریرود
  - منبع تأسیس بند بخش آباد بر رودخانه فراه، بخاطر جریان آبهای فراه رود به هامون سابوری واقع در ایران.
- در پانزده ولایت دولت آخوندی ایران، ورود افغانهای مهاجر و کارگر ممنوع شده و در آن ولایات هزاران تن افغان زندانی اند. چرا گفته نمیشود که در کجای دنیا بر مهاجرین مظلوم چنان سخت گرفته شده که در ایران گرفته میشود؟
- و ده ها سؤال دیگر ....

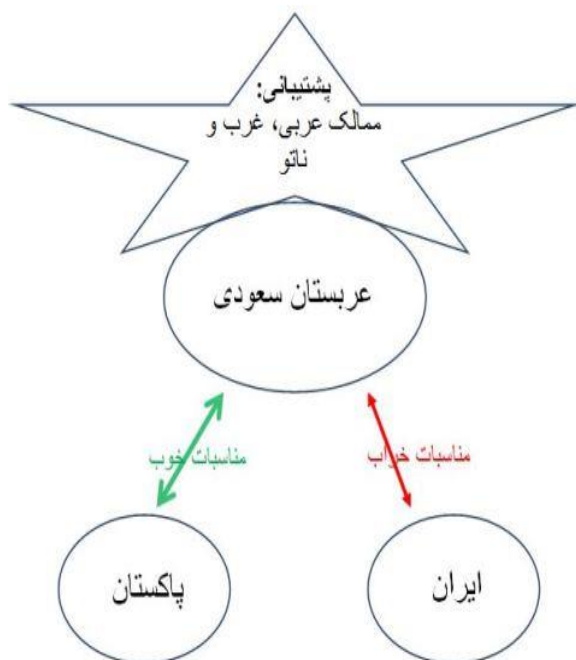
نظر به مخالفت جناب فیضی دوست و همکار سابقه دار ما در پورتال در پشتیبانی افغانستان از عربستان، دو پرسشی جالب و مهمی ذهنم ما را به خود مشغول ساخت که درین قسمت میخواستیم مطرح سازیم و آن اینست که:

- 1- آیا زمانی که جناب رئیس جمهور کرزی پشتیبانی اش را در جنگ سوریه از بشرالاسد اعلام کرد، هم ایشان بر مبنایی اینکه افغانستان در جنگ های نیابتی دخیل نگردد، به همین شدت مخالفت نشان داده بودند؟
- 2- منحصیث یک افغان وطنپرست و بدون در نظر داشت هر نوع ارتباط رسمی و دولتی، آیا ایشان گاهی روی مظلالم دولت و مردم ایران بر افغان های مهاجر و سلب حقوق انسانی شان، همچنان روی سیاست مغرضانه ایران خاصناً در ساحه مطبوعاتی افغانستان، طی مقاله تدقیقی و تحقیقی صادقانه ابراز نظر کرده اند و یا تصمیم دارند که این کار را بکنند چرا که حالا از مسؤولیت های رسمی و مجبوری هم سبک دوش گردیده اند. یا هنوز ملحوظات خاصی وجود دارند که مانع این عمل شان میگردد؟

قسمیکه در فوق هم کوتاه اشاره گردید ایران منافع اش را در همه جا و بر همه چیز مقدم تر میدانند که ما چند مثال کوچکی آنرا اینجا مورد توجه قرار میدهیم.

- الف) در مبارزات اخوان المسلمین سنی مذهب سوریه که در مقابل حکومت بشرالاسد از حزب بعث عربی (شیعه علوی) طرف ثانی الذکر علیه اخوانی ها را گرفته است.
- ب) در نزاع جمهوری آذربایجان (مسلمان شیعه مذهب) با ارمنستان (مسیحی مذهب)، طرف ارمنستان را گرفت.
- ج) در موضوع چیچنیا (با اکثریت مسلمان سنی مذهب) که در اشغال روسیه است، ایران (بخاطر مسئله اتمی اش) طرف روسیه را گرفته است.
- د) در نزاع اقلیت مسلمانان ایغور، ایران (همچنان بخاطر مسئله اتمی اش) طرف حکومت چین را گرفته است.

ر) در نزاع هند و پاکستان، ایران معمولاً طرف هند را گرفته است.



افغانستان برای بار اول است که رهایی از تأثیرات منفی همسایگان را با اراده مستقل تجربه میکند و میخواهد با کشور های که در زمینه از دور نیدخل هستند مستقل ارتباط داشته باشد.

سیاست فعلی افغانستان روی استحکام روابط (پاکستان، عربستان و افغانستان) و (پاکستان، چین و افغانستان) میچرخد. بدین معنی که عربستان و چین به صفت دو کشور توانا از نظر اقتصادی و تکنالوجی بالای پاکستان تأثیر بارزی دارند و پاکستان تأثیر بارزش را بالای طالبان، لهذا فشار اقتصادی چین و عربستان میتواند در روش طالبان بر علیه طالبان تغییر پذیر شده، رشد و نمو طالبان را کاهش داده، به صلح پایدارتری مبدل گردد. سیاست سیزده ساله قبلی که زیاد تر استوار به روابط مستحکم با (ایران و هندوستان) بود متأسفانه در آوردن صلح موفقیت چندانی نداشت که ما همه شاهد آن بودیم ولی امیدواریم تا روابط سیاسی دولت فعلی افغانستان در راستای صلح و ثبات، مثمر واقع گردد.

عربستان سعودی، هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ عقیدتی یکی از کشور های قدرتمند در حوزه خلیج فارس است. تأثیر این کشور از لحاظ دینی و عقیدتی بر مردم افغانستان و پاکستان چشمگیر و غیر قابل انکار است. لهذا تصمیم قاطع از پشتیبانی حرمین شریفین و تأکید حل بحرانات یمن از طریق کنفرانس اسلامی و کمک های ملل متحد، چندین منفعت را برای ما و کشور ما در قبال دارد:

- عربستان یعنی حامی طالبان و پاکستان، اگر با افغانستان سر یاری بجنابند، به مراتب از یاری پاکستان و ایران بهتر بوده به مسایل ملی کشور ما مفید واقع می گردد.
- افغانستان در سایه دوستی عربستان میتواند در برابر ایران و پاکستان استقلال سیاسی اش را حفظ کند.
- لجام گسیختگی پاکستان را در مورد افغانستان تحت کنترل در آورد تا پاکستان دیگر در قول و قرار هایش به افغانستان که تا ایندم هرگز صادق نبوده است، تجدید نظر کند.
- قدرت طلبی لجام گسیخته ایران و پاکستان را که در دوره حاکمیت کرزی به اوجش رسیده، مهار سازد. به طور نمونه سبب تقویه قرارداد کارگران افغان در عربستان میشود. این قرارداد با ویزه، بیمه و امتیازات دیگر بزودی نصیب کارگران افغانستان میشود. محرومیت تعدادی از کارگران را که سالها نیروی بشری شانرا در ایران از دست میدادند ولی از تمام امتیازات محروم بودند. اینک میتوانند با قرارداد کار و ویزه رسمی فرزندان شان اجازه مکتب رفتن پیدا کنند.

## نتیجه:

افغانستان کشور مستقل بوده که استقلال آن بستگی به خود ارادیت آن دارد که در صورت از دست دادن خود ارادیت معنی داشتن استقلال هم ارزشی ندارد.

- افغانستان برای بار اول است که رهایی از تأثیرات منفی همسایگان را با اراده مستقل تجربه میکند و میخواهد با کشور هایی که در زمینه از دور نیدخل هستند مستقل ارتباط داشته باشد. طبعاً این ارتباط به وضاحت موقف ایران و پاکستان را در افغانستان تضعیف میکند. به چند دلیل:
- پناهندگان افغان که در ایران اند از تمام حقوق عادی و انسانی بطور مطلق محروم اند. زیرا آنها با نیروی کاری شان در اجرای مشکل ترین و شاقه ترین کار بنا بر مجبوریتی که دارند، گماشته میشوند ولی چون جواز کاری ندارند کارفرما های ایرانی آنها را مزدی که حق آنها است، نمی دهند.

د پانو شمیره: له 4 تر 5

- با پشتیبانی از عربستان زمینه قرارداد بوجود آمده است که دیگر کارگر افغانی نیروی انسانی و بشری اش را که بخرج میرساند باسر بلند هم مالیات دولت میزبان را می پردازد و هم میتواند از حمایت پشتیبانی دولتی برخوردار باشد تا بسر بلند هم کار کرده بتواند و هم اطفال و خانواده اش از امتیازاتی برخوردار باشند که هرگز امید آن را نداشته اند.
  - عربستان سعودی نظر به اینکه پاکستان را از لحاظ مالی تمویل میکند. توانایی آنرا دارد که بر پاکستان فشار آورد.
  - عربستان مانند ایران و پاکستان مستقیم برای تخریب افغانستان داخل عمل شده نمی تواند. در گذشته به وسیله پاکستان که البته با معجون مرکب دشمنی و خصومت، پاکستان دور از نظر عربستان منحصیث یک دلال بسیار مضر خواست خود را زیر نام خواست عربستان در افغانستان پیاده میکرد لیکن با پشتیبانی افغانستان از عربستان وظیفه دلال مضر پاکستان بی اثر میشود.
  - نکتهٔ اخیر و بسی مهم دیگر اینکه، فیصدی زیاد زبان دری به شمول حروف الفباء آن منشأ و منبع عربی دارد. هکذا آموختن عربی که خود یک زبان بسیار وسیع، جامع و بین المللی است برای کارگران افغانی تا که مفید نباشد مضر بوده نمی تواند. خاصتاً در تکنالوجی مدرن اطلاعاتی امروز بدون موجودیت زبان عربی و حروف صدا دار و یا (اعراب) ادغام زبان ما ناممکن است.
- در اخیر میخوایم از محتوای مشورهٔ شاه اسبق افغانستان محمد ظاهر شاه که در یکی از گفته های شان اظهار داشته بودند، به شکل یک پند مدبرانه از ایشان، یاد آوری کنیم:

**(برای امان از گزند همسایگان به استحکام روابط حسنه با هند، ترکیه و کشورهای عربی بکوشید)**